irannewspaper.ir

• دوشنبه ۴ دی ۱۴۰۲ • سال بیست‌ونهم • شماره ۸۳۶۲
• اذان ظهر ۱۲/۰۴ • اذان مغرب ۱۷/۱۷ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۹ • اذان صبح فردا ۵/۴۲ • طلوع آفتاب فردا ۷/۱۲

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
• **سردبیر:** حسام الدین برومند
• **معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی(سیاسی)
• مهدی مهرپور(اقتصادی)
• زرین رستمی وند(اجتماعی)

• بنفشه غلامی(جهان)
• لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش)
• زهرا کشوری(زیست‌بوم) • فرناز قلعه‌دار(حوادث)
• مهدی کلهرنژاد(اجرایی)
• حجت حکیمی(صفحه‌آرایی)
• محسن جانی‌پور (ویراستاری)
• ابوالفضل نسایی(عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
• **سازمان آگهی های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

این روزها مردم قیمت همه‌چیز را می‌دانند، اما ارزش هیچ‌چیز را نمی‌دانند.

تصویر دوریان گری، اسکار وایلد

سخن روز

امام حسین (ع):
کسی که بخواهد از راه گناه به مقصدی برسد ، دیرتر به آرزویش می رسد و زودتر به آنچه می ترسد گرفتار می شود .

بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۰

نگاره

ممانعت اسرائیل از ورود کمک‌های بشردوستانه به غزه

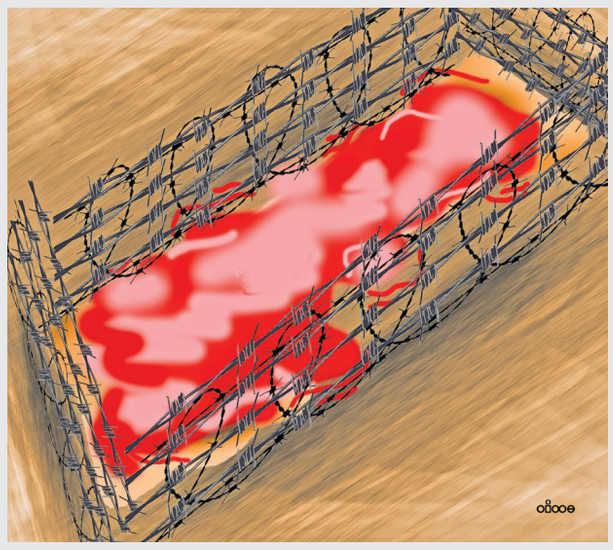

نیما شاه‌میری/ طراح و کارتونیست

فضای مجازی

خوشحالی از پیگیری طرح قدیمی

آزیتا موگویی، کارگردان و تهیه‌کننده در واکنش به اینکه بعد از سال‌ها پیگیری گروه‌های مختلف، عملیات محوطه‌سازی مجموعه تئاتر شهر آغاز شده، نوشته: «هر طرحی، هر اقدامی باید برای حفظ و ارزش‌آفرینی بیشتر برای این بنای باشکوه و پر از خاطره باشه. یقین دارم که مدیر لایق تئاتر شهر در مسیر صحیح حرکت می‌کنه.»

کتابی خواندنی درباره شهید حاج قاسم سلیمانی

هادی شیرازی، نویسنده و مدیر انتشارات خط مقدم در یک استوری، مطالعه کتاب «نامزد گلوله‌ها» با عنوان فرعی «سفری به زندگی شهید حاج‌قاسم سلیمانی» را به دنبال‌کنندگان صفحه‌اش پیشنهاد داده؛ مرتضی سرهنگی در این کتاب که با همکاری محمدعلی آقامیرزایی و محبوبه عزیزی پیش روی علاقه‌مندان قرار گرفته، روایتی جذاب از زندگی سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی را نوشته است. در توضیحات این کتاب آمده: «نامزد گلوله‌ها، مسافرت کوتاهی است از صبح قنات ملک پرچشمه تا نیمه‌شب سرد فرودگاه بغداد. ادای دین مؤلف کتاب، مرتضی سرهنگی، به کسی که می‌دانیم ترکش‌ها و گلوله‌های بی‌معرفت، سال‌ها دنبال او بودند.»

جایزه‌ای برای داستان کوتاه

پژمان بازغی، بازیگر سینما و تلویزیون در تازه‌ترین نوشته خود فراخوان ششمین دوره جایزه ارغوان، داستان کوتاه با موضوع تردید را به اشتراک گذاشته؛ این جایزه به همت مؤسسه ارغوان هفت‌رنگ برگزار می‌شود. در بخشی از اطلاعات این فراخوان اسامی چهره‌هایی نظیر فرهاد توحیدی و محمد چرمشیر به عنوان هیأت انتخاب و ازجمله اعضای هیأت داوران هم احمدپوری و حسین سناپور آورده شده است. علاقه‌مندان کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند سری به صفحه این هنرمند یا سایت برگزاری بزنند.

یادی از یک فیلم

روح‌الله حجازی، کارگردان و تهیه‌کننده سینما در استوری خود بخش کوتاهی از فیلم «سپیده» را با دنبال‌کنندگان صفحه‌اش به اشتراک گذاشته است. فیلم «سپیده» با بازی پریوش نظریه و آرش مجیدی، روایتگر زندگی زن و شوهری است که بعد از سال‌ها بچه‌دار می‌شوند، اما بعد از مدتی متوجه می‌شوند که زن مبتلا به نوعی بیماری شده است که باید بین زنده ماندن خودش یا فرزندش یکی را انتخاب کند. فیلم سینمایی سپیده در ژانر درام و اجتماعی، سال ۱۳۹۰ به اکران درآمد و با کسب امتیاز خوب از سوی مخاطبان توانست در رده آثار موفق جای گیرد.

مسترکلاسی برای فیلمبرداری

هومن بهمنش، مدیر فیلمبرداری در استوری خود خبر از برپایی مسترکلاس فیلمبرداری سینما با عنوان «از تصور تا تصویر» خبر داده است. آنطور که در این خبر آمده، تدریس این مسترکلاس را هومن بهمنش برعهده دارد. این دوره در ۳۰ جلسه سه‌ساعته تئوری و عملی، در مجموع ۹۰ ساعت و طی سه ماه برگزار می‌شود. برخی از عناوین این دوره در بخش تئوری، زیبایی‌شناسی و قاب‌بندی در عکاسی و فیلمبرداری، مبانی فیلمبرداری آنالوگ، شناخت دمای رنگ نور، تحلیل و درک فیلم و در بخش عملی نیز کارگاه عکاسی در لوکیشن داخلی/خارجی و کارگاه نورپردازی فیلم نام دارد.

نوشته خسروشاهی درباره چهره سرشناس تبریزی

حامد خسروشاهی، نویسنده و فعال رسانه‌ای در تازه‌ترین نوشته خود، چند سطری را درباره یکی از فعالان اجتماعی تبریز و آثارش با مخاطبان به اشتراک گذاشته که در آن می خوانید: «بچه‌های تبریز جناب دکتر حاج علی قادری را می‌شناسند البته به عنوان یک نظامی و فعال اجتماعی که دست بر کارهای خیر دارد و اخیراً کمپین نان شب را مدیریت می‌کرد. حاج علی دو کتاب واقعاً ارزشمند دارد؛ اولی با عنوان «با فیلسوف شرق در تبریز» که روایت یک هفته همراهی شبانه‌روزی با مرحوم علامه جعفری در تبریز، کندوان، مرند و... است و چقدر بااهمیت است که یک نفر در آن برهه زمانی، فهم اهمیت روایت را داشته و این اتفاقات را نوشته. کتاب دوم یک سفرنامه است. سفر به قبله عشق، سفرنامه کربلا و عتبات عالیات، با این تفاوت که این سفر در زمانی انجام می‌گیرد که صدام هنوز صدر قدرت در عراق را در اختیار دارد و راه کربلا پس از قریب به سه‌دهه بسته بودن برای ایرانی‌ها باز شده. در میان این همه سفرنامه که طی سال‌های گذشته از سفر عتبات (مخصوصاً در ایام اربعین) نوشته شده و بیشترشان را خوانده‌ام، سفرنامه حاجی قادری تازگی داشت برایم. حاج آقا قادری از شاگردان مرحوم استاد آذرتاش آذرنوش در دانشگاه تهران هستند و مسلط به عربی هم در گفتار و هم در نوشتار؛ این وجه حاجی هم برای بچه‌های تبریز مغفول مانده است.»

نقل قول

مهرداد خوشبخت
کارگردان فیلم پالایشگاه

فیلم پالایشگاه، یک اثر دیدنی از ناگفته‌های حماسی و ملی است

در جشنواره سال گذشته فشار زیادی را برای رساندن فیلم به جشنواره تحمل کردیم و همه تقریباً در جریان آن هستند. چنین پروژه‌های بزرگی بویژه در بخش جلوه‌های بصری به زمان زیادی نیاز دارند. باوجود زمان کم تا شروع جشنواره چهل‌ویکم، تیم پس‌تولید «پالایشگاه» به‌صورت شبانه‌روزی تلاششان را کردند تا فیلم به بهترین شکل به جشنواره برسد اما فیلم، بدون اینکه تمام مراحل پس‌تولید فنی و هنری آن به نتیجه مطلوب برسد فقط در ۲ روز آخر به جشنواره رسید. تأخیر در آماده شدن فیلم سبب شد تا «پالایشگاه» در تعداد بسیار محدودی سانس نمایش داده شود به همین دلیل نتوانست درست مورد داوری قرار گیرد و در جشنواره به شکل محدود به نمایش درآمد. درباره نسخه‌ای که در حال حاضر در سینماها اکران می‌شود، باید بگویم که ما بعد از جشنواره تمام اشکالات فیلم را برطرف کردیم و نسخه‌ای که در حال حاضر به اکران درآمده یک فیلم سینمایی دیدنی است که باید در سالن سینما، روی پرده بزرگ و با صدای فوق‌العاده تجربه کرد. سکانس‌هایی در فیلم «پالایشگاه» وجود دارد که کمتر در سینمای ایران به اجرا درآمده است و خوشحالم از اینکه مخاطب پس از خروج از سالن سینما دیدن «پالایشگاه» را با هیجان به دیگران توصیه می‌کند. فیلمی که حقایقی را به نمایش می‌گذارد که جزو ناگفته‌های حماسی و ملی و رشادت‌های ملت بزرگ این کشور است.

| بخشی از گفته‌های این کارگردان سینما با مهر

دریچه

محسن پرویز
نویسنده و عضو مؤسس انجمن قلم

اجازه ندهیم واقعیت‌ها را وارونه جلوه بدهند

این چه الگویی است که از ده‌ها هزار کیلومتر آن‌طرف‌تر ناتو جنگی به اینجا می‌فرستند تا از منافع کشورشان حفاظت و منابع سایر کشورها را غارت کنند و بعد به ما القا کنند که جنگ بد است؟ این روحیه را برخی سیاستمداران غرب‌گرا در جامعه تئوریزه می‌کنند و متأسفانه عده‌ای از ما هنرمندان به آن قالب هنری می‌بخشیم و ماندگارش می‌کنیم و این بسیار خطرناک است.

سیاستگذاران این عرصه و مجریان آن باید در خدمت اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی باشند و بکوشند از این حوزه صیانت کنند و تفکر انقلابی را رشد و گسترش دهند، این به سود مملکت است و تنها بحث انقلاب اسلامی نیست. اگر این جنگ با این گستردگی در زمان رژیم پهلوی روی می‌داد، بدون شک خوزستان از ایران جدا شده بود و این مسأله نمونه‌های فراوانی دارد. ما نباید اجازه دهیم این واقعیت وارونه جلوه داده شود و جوانانی که با دست خالی فداکاری کردند، فراموش شوند.

در سال‌های دفاع مقدس امکانات ما به هیچ‌روی در حد امروز نبود. بحث ابزارهای جنگی را کنار بگذاریم؛ صدام حمله شیمیایی می‌کرد و برای مقابله با این حملات به کیت‌های تشخیص گازهای شیمیایی و روش‌های مبارزه با آن و ماسک ضد شیمیایی نیاز داشتیم. اینها ابزارهای تهاجمی نیستند و ابزار دفاعی‌اند، اما با این حال از ما دریغ می‌شد. وظیفه ما این است که این واقعیت‌ها را ترسیم و برای دیگران بازگو کنیم. اینکه بنشینیم و چیزهایی بگوییم که با جریان غالب دفاع مقدس سازگار نباشد این انصاف نیست. به نظر من سیاستگذاران ما باید در عرصه فرهنگ فضا را آماده کنند تا همراهان انقلاب بتوانند به‌خوبی فعالیت کنند.

هرچند نباید فراموش شود که مدیریت فرهنگی، ظرافت‌های خاص خود را دارد و از سایر بخش‌های مدیریتی تا حدودی متمایز است. در عرصه فرهنگ باید لطافت‌ها و ظرافت‌های خاصی هم مورد توجه قرار گیرد. مدیریت فرهنگی پیچیدگی‌هایی بیش از مدیریت سایر حوزه‌ها دارد. به‌طور کلی، می‌خواهم بگویم که درباره آثار فرهنگی و هنری باید نگاهی کلان داشته باشیم؛ یعنی آثاری که می‌خواهند چاپ شوند اجازه مطرح شدن اندیشه‌های مختلف را داشته باشند و مانع بیان اندیشه نشویم و وقتی می‌خواهیم حمایت کنیم باید عوامل نیرومندتری را هم بیفزاییم.

در خصوص قضاوت آثار هم باید کلیت یک اثر را ببینیم و نه صرف بخش‌های مشخص و جداشده از آن را و اتفاقاً گفت‌وگو در این‌باره بسیار کمک‌کننده است. نقد داستان با نقد یک اثر فلسفی یا جامعه‌شناختی فرق می‌کند؛ یعنی وقتی کسی در مقام موعظه در یک کتاب، اندیشه‌هایش را بیان می‌کند، شما می‌توانید جمله به جمله حرف‌های او را نقد کنید، ولی در داستان نمی‌توانید، چون در داستان، دیالوگی را از زبان یک کافر بیان می‌کند که ممکن است نقد به خدا هم بکند.

چندی پیش مقام معظم رهبری در سخنان خود درباره ثبت و روایت دفاع مقدس مأموریتی به اهل هنر دادند که می‌توان گفت دفاع مقدس چیزی نیست که تمام شده باشد و ما بخواهیم آن را فراموش کنیم، یا اینکه همه گفتنی‌های آن را گفته باشیم و دیگر چیزی برای گفتن نمانده باشد؛ نه این‌گونه نیست. دفاع مقدس ناگفته‌های فراوانی دارد و حتی بیان رویدادهای پیش‌گفته با شیوه‌های نو نیز می‌تواند جذابیت داشته باشد.

از این‌رو، به نظر من نگاه مقام معظم رهبری از این جنس است و ایشان توصیه می‌کنند که بیان هنری را فراموش نکنیم. دفاع مقدس برای ایران، میراثی معنوی پدید آورده است که در گذشته این کشور هم سابقه ندارد؛ صحنه‌هایی که دیده نشده بود و شاید در آینده هم هیچ‌گاه دیده نشود. برای همین باید از این میراث معنوی حراست کنیم تا برای آیندگان ما هم بماند. فرمایش ایشان معطوف به این است که چگونه می‌توان این کار را انجام داد. این مسأله سطوح مختلفی دارد. بخشی از آن به سیاستگذاران مربوط است و آنها باید در تدوین برنامه‌های کلان، چشم‌انداز بیست، سی سال آینده آن را تعریف کنند و این موضوع را در نظر گیرند چه در حوزه فرهنگ، چه در سایر بخش‌هایی که باید حامی فرهنگ یا زمینه‌ساز فعالیت‌های فرهنگی باشند. قانونگذاران نیز طبیعتاً باید به این مسائل توجه کنند. یک بخش هم به مجریان مربوط است که برنامه‌های کوتاه‌مدت را اجرا می‌کنند و قرار است در کوتاه‌مدت این برنامه‌ها را به اجرا درآورند. بخشی هم به هنرمندان مربوط است. وظیفه هنرمندان این است که در حد توان هنری خود فراموش نکنند که حوزه دفاع مقدس همواره در اولویت است و باید به این حوزه پرداخت.

یادداشت

محمد احسان مفیدی‌کیا
منتقد

درباره مستند «مهد کودک»

مستند با تصاویر رنگی و دوست‌داشتنی دنیای کودکانه شروع می‌شود؛ کودکانی که در مهد کودک بازی می‌کنند و روز را به شادی می‌گذرانند. مثل همه مهدهای کودک دیگر زمان بازی که تمام می‌شود مادرها دنبال بچه‌ها می‌آیند و قربان صدقه‌شان می‌روند اما، از اینجای کار به بعد انگار یک جای کار می‌لنگد، مادرها همه در همان حیاط مهد کودک به اتاقی دیگر می‌روند در پشتشان قفل می‌شود. اینجا زندان است.

مادر یکی به جرم جابه‌جایی مواد مخدر هفت سال و چند ماه باید در بند باشد، آن دیگری به جرم مشارکت در قتل همسرش، که پدر همین بچه‌ای باشد که تازه به دنیا آمده، اینجاست و البته خودش را قربانی توطئه می‌داند و دیگران هم هر کدام به دلیلی ساکن ندامتگاه زنان استان تهران‌اند. دلیلش چه اهمیتی دارد؟ حالا هر کدام از این مادرها چند سالی، کمتر و بیشتر، باید بین این حصارها بمانند و کودکانشان را همین جا بزرگ کنند.

«مهد کودک» در زندان قرچک، شاید در ظاهر مثل هر مهدکودک دیگری باشد اما برای مایی که می‌دانیم بودن در این اتمسفر برای کودک بی‌گناهی که هیچ سهمی از خطای والدین خود ندارد ولی مجبور به بودن در این فضاست، آه و حسرت بسیار به دنبال دارد. هانیه یوسفیان، کارگردان و فیلمبردار مستند، این بار هم یک موضوع حاد اجتماعی را سوژه کار خود قرار داده و سعی کرده با توصیف درست شرایط، تصویری را نشان‌مان بدهد که شاید پیش از این تصوری نسبت به آن نداشته‌ایم. برای بهتر دیدن، اغلب، قاب تصاویر به اندازه بچه‌هاست. دوربین خود را همسطح آنها کرده تا بتواند از زاویه دید ایشان شرایط را ببیند. این به وضوح تأکید را روی آنها می‌برد. یوسفیان خود در این باره می‌گوید: «مستند مهدکودک درباره آدم‌های بزرگ نیست، بلکه در مورد کودکانی است که تصوری از آزادی ندارند و نمی‌دانند آزادی چه چیزی است و خانه اصلی آنها زندان است؛ بچه‌هایی که زندان خانه امنی برای آنهاست و صرفاً به دلیل اینکه مادرانشان در زندان هستند، آنها هم در زندان قرار گرفته‌اند.» از همین رو است که او زیاد به قصه مادران کاری ندارد و در مصاحبه‌ها روی بیان جرم و جنایت‌شان نمی‌ماند و اگر هم چیزی پرسیده باز زود بازگشته به میهمان‌های کوچک و بی‌گناه زندان زنان.

خیلی از این بچه‌ها تصوری از دنیای بیرون ندارند. در بند به دنیا آمده، در گوششان اذن گفته‌اند، بازی کرده‌اند، زمین خورده‌اند، بزرگ شده‌اند. دوستانی هم که دارند در بین همین دیوارهاست. شمع‌ها را همین جا فوت می‌کنند، سال‌ها هم اینجا نو می‌شوند و دعایی که به آنها می‌آموزند، دعای آزادی است.

یوسفیان که دانش آموخته سینماست، پیش از این مستندهای «همه چیز آماده است؟» و «پدر، مادر، علی، رضا و من» را کارگردانی کرده بود و در جشنواره نهم سینما حقیقت برای مستند «پدر، مادر، علی، رضا و من» موفق به کسب جایزه ویژه هیأت داوران شد. در مستند «مهد کودک» مسعود ابراهیمی در پژوهش با یوسفیان همکاری داشته و تدوین اثر را آرش زاهدی اصل به عهده گرفته است.

این مستند اجتماعی یکی از آثار قابل توجه در جشنواره «سینما حقیقت» امسال بود که امید می‌رود در یک بستر مناسب مجالی برای دیده شدن بیابد یا به مخاطب خاص خود برسد و پیامی را که دارد به بهترین نحو منتقل کند.

> مستند مهدکودک درباره آدم‌های بزرگ نیست، بلکه در مورد کودکانی است که تصوری از آزادی ندارند و نمی‌دانند آزادی چه چیزی است و خانه اصلی آنها زندان است؛ بچه‌هایی که زندان خانه امنی برای آنهاست و صرفاً به دلیل اینکه مادرانشان در زندان هستند، آنها هم در زندان قرار گرفته‌اند

عکس نوشت

«توافقنامه» عنوان نمایشی به کارگردانی کوروش سلیمانی است که تا ۲۶ دی ماه میزبانی علاقه‌مندان در تماشاخانه ایرانشهر-سالن ناظرزاده کرمانی را به‌عهده دارد. داستان این نمایش درباره دو دوست قدیمی است که پس از مدت‌ها یکدیگر را می‌بینند. یکی بازیگری است متوسط و دیگری نمایشنامه‌نویسی ناموفق. بازیگر می‌خواهد آپارتمانش را بفروشد و برای این کار از دوستش خواسته که در زمان امضای توافقنامه آنجا حضور یابد تا خیال خریدار راحت باشد و...

عکس: ایران تئاتر